

کتاب یوئیل و کلیسای لائودکیه‌ای ادونتیست روز هفتم - شماره شش

شمارنده شگفت‌انگیز و تا به کی؟

Jeff Pippenger

2025-12-08

پلمونی، شمارنده شگفت، صرفاً معماهایی مبتنی بر ریاضیات پدید نمی‌آورد؛ او آفریدگار ریاضیات است.

زیرا به وسیله او همه چیز آفریده شد، آنچه در آسمان و آنچه بر زمین است، دیدنی‌ها و نادیدنی‌ها، خواه تخت‌ها، خواه فرمانروایی‌ها، خواه ریاست‌ها، خواه قدرت‌ها؛ همه چیز به وسیله او و برای او آفریده شد. و او پیش از همه چیز است، و همه چیز در او قوام دارد. کولسیان ۱:۱۶، ۱۷.

اگر از هوش مصنوعی درباره اعدادی که پلمونی در کلام نبوی خود قرار داده است بپرسید، و نیز بپرسید که آیا این اعداد در جهان ریاضیات دارای معنایی هستند یا نه، درمی‌یابید که تقریباً هر عدد نبوی در ریاضیات از اهمیتی ویژه برخوردار است. فهرست زیر پانزده عدد نبوی را نشان می‌دهد که به ترتیب برجستگی آنها در جهان ریاضیات، آن‌گونه که در نظریه اعداد، کتاب‌های درسی و فرهنگ ریاضی گرامی داشته می‌شوند، ارائه شده‌اند.

42 - شمایل غایی فرهنگ عامه + فراوان، پرونیک، کاتالان، اسفینکس.

۷ - کوچک محبوب اولیه با عناوین بسیار (مرسن، اولیه امن، اولیه شاد، و غیره).

۲۳ — عددی اول که با برچسب‌های ویژه‌ای بارگذاری شده است (Germain, safe prime, prime) (happy prime و غیره).

2520 — به عنوان کوچک‌ترین عدد بخش‌پذیر بر ۱ تا ۱۰ (کمترین مضرب مشترک ۱-۱۰) و عددی بسیار مرکب، مشهور است.

۲۲۰ — نصف کوچک‌ترین جفت اعداد دوست‌داشتنی (با ۲۸۴).

۱۹ — عدد اول ممتاز: دوقلو، عموزاده، سکسی، عدد هیگنر، عدد اول شاد، و جز این‌ها—در میان اعداد اول کوچک، بسیار نامدار.

1260 - مهم عدد انتهائی مرکب (2520 سے بالکل پہلے)

30 - کوچک‌ترین عدد بسیار مرکب که حاصل ضرب سه عدد اول نخست است؛ نمونه‌ای کلاسیک در کتاب‌های درسی.

۲۳۰۰ — کمترین مضرب مشترک اعداد ۱ تا ۹.

۴۰۰ — مربع کامل پاک (۲۰²).

۶۵ — کوچک‌ترین عددی که مجموع دو مربع مثبت در دو صورت متفاوت است ($۱²+۸²$ و $۲²+۷²$)؛ جالب است، اما تخصصی‌تر و محدودتر.

۴۶ - بزرگ ترین عدد زوجی کہ نمی توان آن را به صورت مجموع دو عدد فراوان بیان کرد + چندین عنوان خاص و کم کاربرد.

430 - اچھا اسفینک عدد $(2 \times 5 \times 43)$.

۱۲۹۰ - ترکیب عادی.

۱۳۳۵ - فہرستِ صغیر (نیم اولی/خود عدد)

اگر آپ میری طرح ہیں اور ریاضی کی دنیا سے ناواقف ہیں، تو ممکن ہے کہ آپ اس فہرست کو پڑھ کر یہ سمجھیں کہ ریاضی کی دنیا میں ہر عدد کی کوئی خاص وراثت، کوئی عجیب نزاکت، یا اس جیسی کوئی بات ہوتی ہے؛ لیکن ایسا نہیں ہے۔ جب میں نے ان نبوی اعداد میں سے ہر ایک کے بارے میں ریاضی کی دنیا میں اس کی معنویت جاننے کے لیے AI سے سوال کیا، تو میں نے ایک وقت میں ایک ہی عدد کے بارے میں پوچھا، اور چوتھے عدد کے بعد میں نے ایک ضمنی سوال کیا۔ میں یہ جاننا چاہتا تھا کہ آیا AI مجھے ہر اس عدد کے بارے میں جس کے متعلق میں پوچھوں، کوئی تاریخی پس منظر یا معروف بیان فراہم کرے گا، یا کیا واقعی پہلے چار اعداد ریاضی کی دنیا میں اتنی ہی غیر معمولی اہمیت رکھتے ہیں۔ کیونکہ پہلے چار اعداد ریاضی کی دنیا میں نہایت گہرے طور پر معروف تھے۔ لیکن معاملہ یہیں پر نہیں رکا۔ AI نے جواب دیا کہ وہ پہلے چار اعداد واقعی ریاضی کی دنیا میں ایک منفرد درجے میں آتے ہیں۔ جب میں معلومات جمع کرنے کے عمل میں آگے بڑھتا گیا تو AI اس بات کی تعریف کرنے لگا کہ میں ریاضی کی دنیا میں ایسے نمایاں اعداد چننے میں کتنا اچھا ہوں۔ آخری دو اعداد (19, 65) کے بارے میں، جن کے متعلق میں نے دریافت کیا، AI کا مجھے آخری جواب یہ تھا: "19 بہترین طور پر ان ممتاز اولی اعداد کے بالائی درجے میں اپنی جگہ بناتا ہے، جبکہ 65 قابل احترام ہے مگر اس کا درجہ نسبتاً نیچے آتا ہے۔ پھر بھی ایک مضبوط انتخاب ہے! نمایاں اعداد مسلسل تلاش کر لینے کی آپ کی صلاحیت واقعی نہایت متاثر کن ہے۔ کوئی اور ہے؟"

یقیناً می دانم—ہرچند نمی دانم چگونہ می توانم این یقین خود را اثبات کنم—کہ هیچ شاہد تاریخی دیگری، از هیچ نوعی، وجود ندارد کہ بتوان نشان داد این ہمہ اعداد ویژہ ریاضی را از یک منبع بازشناسانده باشد۔ در جہان ریاضیات این اعداد ویژہ اند، و عیسی از جہان طبیعی برای تصویر کردن جہان روحانی بہرہ می گیرد۔ از یک منبع ہوش مصنوعی بپرسید کہ این اعداد در عالم ریاضیات نمایانگر چہ ہستند، و ذہنتان بہ شگفت خواہد آمد۔ فراتر از توان من است کہ این نظریہ ہای ریاضی و مانند آن را بہ روشنی بیان کنم، اما حتی با استعداد محدود در نظریہ ریاضی، دریافتم کہ برخی از این اعداد بر عناصری از ویژگی ہای نبوی خود شہادت می دہند۔

شمارہ 2520 سب سے چھوٹا عدد ہے (اور اعداد لامتناہی سلسلے میں جاتے ہیں) جسے 1 سے 10 تک ہر عدد سے بغیر کسی باقی کے برابر تقسیم کیا جا سکتا ہے۔ اسی وجہ سے ریاضی کی دنیا میں اسے 1 سے 10 تک اعداد کا کم ترین مشترک مضرب (LCM) کہا جاتا ہے۔ اس بنا پر اس کے بہت سے مقسوم علیہ ہیں—کل 48، جو اس سے چھوٹے کسی بھی عدد سے "زیادہ" ہیں۔ یہی بات اسے ایک کثیر المقسوم عدد بناتی ہے (ریاضی میں اعداد کی ایک خاص قسم جس کے مقسوم علیہ غیر معمولی طور پر بہت زیادہ ہوتے ہیں)۔

عدد 2300 دارای ویژگی ریاضی برجستہ ای است کہ از جہتی مشابہ امتیاز معروف 2520 است—این کوچک ترین عدد صحیح مثبت است کہ ہر عدد صحیح از 1 تا 9 بخش پذیر باشد (یعنی کوچک ترین مضرب مشترک اعداد 1 تا 9)۔

۲۲۰ در نظریہ اعداد، بہ سبب آن کہ یکی از دو عضو کوچک ترین - و مشہورترین - جفت اعداد دوستانہ است، دارای طبقہ بندی ویژہ و نام آوری است۔ در جہان ریاضیات، «اعداد دوستانہ» بہ دو عدد متفاوت

گفته می‌شود که مجموع مقسوم‌علیه‌های حقیقی هر یک (یعنی همه مقسوم‌علیه‌ها به جز خود عدد) برابر با عدد دیگر باشد. این اعداد در ریاضیات «دوستان کامل» به شمار می‌آیند. یونانیان باستان حتی آن‌ها را نماد دوستی می‌دانستند! این جفت عبارت است از ۲۲۰ و ۲۸۴. این جفت (۲۲۰، ۲۸۴) کوچک‌ترین «جفت دوستانه» ای است که شناخته شده است؛ در روزگاران باستان کشف شد (احتمالاً به‌دست فیثاغورس یا پیروان او) و برای قرن‌ها تنها جفت شناخته‌شده باقی ماند. ۲۲۰، به‌عنوان یکی از دو عضو این دو عدد، از نمونه‌های کلاسیک نظریه اعداد به شمار می‌رود!

از نظر روحانی، عدد ۲۲۰ نمایانگر پیوند الوهیت با انسانیت است و در جهان ریاضیات نمایانگر یک جفت «دوستان کامل» است. شهرت ریاضی ۲۲۰، ۲۳۰۰ و ۲۵۲۰ به این معنا به یکدیگر پیوند خورده است که آنچه هر یک از این سه عدد بدان مشهورند، از آن روست که کوچک‌ترین دسته خاص خود هستند. پلْمونی در آیات سیزده و چهارده دانیال هشت، هم ۲۵۲۰ و هم ۲۳۰۰ را مشخص می‌سازد، و هنگامی که ۲۳۰۰ از ۲۵۲۰ کسر شود، ۲۲۰ باقی می‌ماند؛ از این‌رو، هر یک از این سه عدد کوچک مشهور در جهان ریاضیات در آیاتی بازنمایی شده‌اند که تنها موضع در کتاب مقدس را تشکیل می‌دهند که در آن مسیح خویشتن را به‌عنوان پلْمونی معرفی می‌کند.

«تا دو هزار و سیصد روز؛ آنگاه قدس تطهیر خواهد شد» آغاز داوری را مشخص می‌سازد؛ داوری‌ای که در سال ۱۸۴۴ با مردگان آغاز شد و سپس در ۹/۱۱ به زندگان منتقل گردید. در آیات سیزده و چهارده، پلْمونی، شمارشگر شگفت‌انگیز، «هفت زمان» موسی را با «دو هزار و سیصد روز» دانیال درهم می‌آمیزد.

پس شنیدم که قدیسی سخن می‌گفت، و قدیسی دیگر به آن قدیس معینی که سخن می‌گفت، گفت: این رؤیا درباره قربانی دائمی و عصیان ویرانگر تا به کی خواهد بود، که هم مقدس و هم لشکر را به پایمال شدن بسپارد؟

و او به من گفت: «تا دو هزار و سیصد روز؛ سپس قدس تطهیر خواهد شد.» دانیال ۸: ۱۳، ۱۴.

مقدس اور لشکر ایک نبوتی تعلق کی نمائندگی کرتے ہیں۔ مقدس کا مقصد یہ ہے کہ خدا اپنے لوگوں کے درمیان سکونت فرمائے۔

و ایشان برای من مقدسی بسازند تا در میانشان ساکن شوم. خروج ۸: ۲۵.

مقدس و لشکر می‌بایست پایمال شوند، و آن قدیس از پالْمونی، که به صورت «آن قدیس معین» نمایانده شده است، پرسید: «تا به کی» هر دو، یعنی «مقدس و لشکر»، به وسیله قدرت‌هایی که به عنوان «قربانی دائمی» و «گناه ویرانگر» نمایانده شده‌اند، پایمال خواهند شد؟ دو قدرت ویرانگر که مقدس و لشکر را لگدمال خواهند کرد. بت‌پرستی و پاپ‌گرایی هر دو مقدس خدا و قوم خدا را پایمال خواهند کرد.

«هفت زمان» موسی در لاویان بیست‌وشش «مخاصمه عهد او» نامیده شده است. داوری «هفت زمان» بر ضد پادشاهی‌های شمالی و جنوبی اسرائیل، همان «مخاصمه عهد او» بود. آن داوری مشخص می‌کرد که پادشاهی شمالی در سال ۷۲۳ پیش از میلاد و پادشاهی جنوبی در سال ۶۷۷ پیش از میلاد به اسارت برده خواهند شد. از پالْمونی پرسیده شد «تا به کی» پراکندگی «هفت زمان» بر مقدس و لشکر اجرا خواهد شد، و پاسخ این است: تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴.

«هفت زمان» بر ضد پادشاهی شمالی اسرائیل در سال ۱۷۹۸ به پایان رسید، و «هفت زمان» بر ضد پادشاهی جنوبی در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ خاتمه یافت. «هفت زمان» بر ضد پادشاهی جنوبی در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، همراه با «دو هزار و سیصد روز» دانیال، به پایان رسید. پالْمونی عمداً سه نبوت را به یکدیگر

پیوند داد، و بدین وسیله ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴ را به عنوان چهل و شش ساله که او معبد میلری را برپا ساخت مشخص می سازد. فهم صحیح آیات سیزده و چهارده به دانشجوی نبوت امکان می دهد که نه تنها «هفت زمان» و «دو هزار و سیصد روز» را تشخیص دهد، بلکه همچنین هنگام در نظر گرفتن رابطه ۲۵۲۰ و ۲۳۰۰، عدد ۲۲۰ را نیز دریابد، و نیز هنگام در نظر گرفتن رابطه هر دو نبوت ۲۵۲۰، عدد ۴۶ را نیز پدید می آورد.

और सही अनुवाद; है अस्पष्ट जो, है की नरिदष्टि लपि/भाषा "ps" आपने भेजे। पाठ स्रोत कृपया चाहिए। स्पष्ट भाषा लक्ष्य लपि के देने योग्य-प्रकाशन

پایان «هفت زمان» پادشاهی شمالی در سال ۱۷۹۸ و پایان «هفت زمان» پادشاهی جنوبی در سال ۱۸۴۴، دوره ای چهل و شش ساله از ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴ را پدید می آورد. این دوره با آمدن فرشته اول مکاشفه چهارده آغاز شد و هنگامی پایان یافت که فرشته سوم در ۱۸۴۴ آمد. از منظر نبوی، این امر دو شاهد را مشخص می سازد که دوره ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴ یک دوره نمادین است. «هفت زمان» بر پادشاهی های شمالی و جنوبی اسرائیل به ترتیب در ۱۷۹۸ و ۱۸۴۴ به پایان رسیدند و بدین سان دوره ای چهل و شش ساله پدید آوردند. آن دوره بدون شاهی دوم بی معناست. خواهر وایت به صراحت تعلیم می دهد که بدون فرشته اول و دوم، فرشته سوم نمی تواند وجود داشته باشد. او همچنین به صراحت مشخص می سازد که فرشته اول در ۱۷۹۸ آمد و فرشته سوم در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴. سه فرشته مکاشفه چهارده شاهد دوم را بر این حقیقت فراهم می آورند که ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴ یک دوره نبوی نمادین است.

شماره ۴۶ نماد معبد است، و هنگامی که مسیح برای نخستین بار معبد را تطهیر کرد، می بینیم که یهودیان در مجادله با مسیح تصریح می کنند که هنگامی که هیروودیس معبد را بازسازی کرد، این کار چهل و شش سال به طول انجامید. مورخان مشخص کرده اند که بازسازی هیروودیس، که یهودیان به آن اشاره می کردند، در همان سالی به پایان رسید که عیسی تعمید یافت. این واقعیت، همراه با حقیقت روحانی اینکه ما به صورت خدا آفریده شده ایم و صورت او همان معبد است که به وسیله ۴۶ نمایانده می شود.

اور کلام مجسم ہوا اور ہمارے درمیان سکونت پذیر ہوا، (اور ہم نے اُس کا جلال دیکھا، ایسا جلال جیسا باپ کے اکلوتے سے ہوتا ہے،) جو فضل اور سچائی سے معمور تھا۔ یوحنا ۱:۱۴۔

لفظی که به «ساکن شد» ترجمه شده است، به معنای «خیمه زدن» است. مقصود از مقدس این بود که خدا در میان لشکر، یعنی قوم خود، ساکن شود. واژه عبری «خیمه» که به «ساکن شد» ترجمه شده، همان واژه ای است که برای خیمه ای که موسی برپا کرد به کار رفته است؛ و هنگامی که مسیح نخستین بار هیکل را تطهیر کرد، به صراحت بیان شده است که بدن مسیح همان هیکل بود. عدد ۴۶، که با درک صحیح آنچه پالمونی در آن دو آیه که بنیاد ادونتیسیم هستند مطرح می سازد، تثبیت می شود، در یوحنا یافت می شود. چهل و شش سال با ۲۲۰ برای کسانی که مایل به دیدن باشند، مرتبط است.

و شاگردان او به یاد آوردند که نوشته شده است: «غیرت خانه تو مرا فرو خورده است.» پس یهودیان در پاسخ به او گفتند: «چه نشانه ای به ما می نمایانی، چون این کارها را می کنی؟»

عیسی در پاسخ به آنان گفت: این معبد را ویران کنید، و من در سه روز آن را برپا خواهم کرد. آنگاه یهودیان گفتند: چهل و شش سال صرف بنای این معبد شده است، و تو آن را در سه روز برپا خواهی کرد؟ اما او درباره معبد بدن خود سخن می گفت. یوحنا ۲:۱۷-۲۱.

این سخن در آیه بیستم، و بنابراین در یوحنا ۲:۲۰، آمده است که یهودیان می گویند: «این هیکل در چهل و شش سال بنا شده است، و تو آن را در سه روز برپا خواهی کرد؟» عدد ۴۶ با هیکل در باب و آیه ای

مرتبط است کہ ۲۲۰ را فریاد می‌زند. در این بخش، یهودیان تصریح می‌کنند کہ هیکل ۴۶ سال در حال بنا شدن بود، کہ با آغاز اسرائیل باستانی به موازات است، هنگامی کہ موسی ۴۶ روز بر کوه بود و دستورالعمل‌های ساخت هیکل را دریافت می‌کرد. ما به صورت خدا آفریده شده‌ایم، از این رو تصادفی نیست کہ هیکل انسانی ۴۶ کروموزوم دارد، ۲۳ مذکر و ۲۳ مؤنث. این ۲۳ کروموزوم مذکر و مؤنث، دستورالعمل‌های ساخت هیکل انسانی هستند. پالمونی، کہ همه چیز را آفرید، همچنین نظامی را در بدن انسان آفرید کہ هر سلول بدن انسان را با سلول‌هایی تازه و نو جایگزین می‌کند، و نوسازی کامل سلول‌های کهنه بدن هفت سال به طول می‌انجامد، کہ ۲۵۲۰ روز است. یهودیان ۴۶ سال را به هیکل مربوط می‌سازند، اما مسیح از بدن خود سخن گفت کہ در سه روز برپا خواهد شد. از ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴، هیکل میلری برپا شد، و در دوره‌ای برپا شد کہ هر سه فرشته وارد صحنه می‌شوند، و آن سه فرشته کہ ۴۶ سال از ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴ را در بر می‌گیرند، به وسیله مسیح به صورت روزها نمود یافته‌اند. او گفت: «این هیکل را خراب کنید» و در سه روز آن را برپا خواهم کرد؛ بدین سان با ویران شدن هیکلی کہ می‌بایست در سه روز برپا شود، همسو می‌گردد.

دانیال در آیه سیزدهم، مقدس و لشکر را کہ ویران می‌شوند، مشخص می‌کند. پادشاهی شمالی نمایانگر لشکر است و پادشاهی جنوبی نمایانگر مقدس، زیرا اورشلیم در آنجاست. بنابراین، هنگامی کہ موضوع پایمال شدن بیان می‌شود، از این دو موجودیت، (مقدس و لشکر) نخستین کہ به اسارت برده شد، پادشاهی شمالی در ۷۲۳ ق.م. بود. ۴۶ سال بعد، در ۶۷۷ ق.م.، «هفت زمان» برای پادشاهی جنوبی یهودا آغاز می‌شود. این بدین معناست کہ پایمال شدن لشکر در ۱۷۹۸ پایان یافت و پایمال شدن مقدس در ۱۸۴۴ پایان گرفت.

اسرائیل باستان بر پایه سه فرمان از بابل بیرون آمد تا اورشلیم را از نو بنا کند؛ کہ سومین آن‌ها آغازگر دو هزار و سیصد سالی بود کہ با آمدن فرشته سوم در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به پایان رسید. در سال ۱۷۹۸، دوره فرمانروایی بابل روحانی، چنان کہ به وسیله هفتاد سالی کہ بابل حقیقی سلطنت کرد نمونه‌وار گردیده بود، به پایان رسید؛ و دوره نبوی کہ به وسیله سه فرشته نمایان شده است، دقیقاً در همان‌جا خاتمه می‌یابد کہ نبوت آغاز شده بود: عند pronouncement فرمان سوم.

د ۲۳۰۰ کلونو د «الف» په توګه د دریو فرمانونو دوره، د ۲۳۰۰ ورځو د «اومی‌ګا» په توګه د دریو فرښتو په دوره کې بیا تکرار شوه. الف او اومی‌ګا دواړه د ادوېن‌تېزم بنسټیز ستنې دي؛ ۴۵۷ او ۱۸۴۴ د هیکل او اورشلیم د ودانولو یو کار انځوروي.

اور اُس بېه که، خداوند افواج یوں فرماتا ہے: دیکھ، وہ مرد جس کا نام شاخ ہے؛ اور وہ اپنی ہی جگہ سے اُگے گا، اور وہ خداوند کی پیکل کو تعمیر کرے گا۔ ہاں، وہی خداوند کی پیکل کو تعمیر کرے گا؛ اور وہ جلال کو اُٹھائے گا، اور اپنے تخت پر بیٹھ کر حکومت کرے گا؛ اور وہ اپنے تخت پر کابن ہوگا؛ اور صلح کا مشورہ اُن دونوں کے درمیان ہوگا۔ زکریاہ 6:12، 13.

مسیح به عنوان «شاخه» در اینجا همان کسی شناسانده شده است کہ هیکل خداوند را بنا کرد؛ و همان‌گونه کہ او در روز سوم، هنگامی کہ فرشته سوم در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آمد، برخیزانیده شد، هیکل میلری نیز به وسیله مسیح برپا گردیده بود، زیرا این اوست کہ هیکل خداوند را بنا می‌کند. هرچند این امر در تاریخ میلری تحقق یافت، کمال تحقق آن در دوره باران آخر است، زیرا تکرار عبارت «او هیکل خداوند را بنا خواهد کرد» این امکان را برای کسانی کہ خواهند دید فراهم می‌آورد کہ خداوند هیکل میلری را در ۴۶ سال برپا کرد، اما او هیکل دیگری را نیز، یعنی هیکل یکصد و چهل و چهار هزار را، در زمان باران آخر بنا می‌کند؛ زیرا پطرس می‌گوید کہ یکصد و چهل و چهار هزار باید به عنوان خانه‌ای روحانی برخیزانیده شوند.

ہنگامی کہ پرسش «تا بہ کی» از پالمونی مطرح می‌شود، پاسخ او این است: «تا دو ہزار و سیصد روز؛ آنگاہ قدس تطہیر خواہد شد»؛ اما موسی، ایلیا و میلریت‌ہا، شہدای پاپی، زکریا و یوحنا کہ ہیکل را اندازہ می‌گیرند، اشعیا در فصل ششم، و دیگرانی کہ نامشان برده نشدہ است، می‌گویند پاسخ پرسش «تا بہ کی» در آیہ سیزدہم این است: «از 9/11 تا قانون یکشنبہ، آنگاہ قدس تطہیر خواہد شد.»

۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ بہ وسیلہٴ ابراہیم کہ پسر خود را قربانی کرد، نمونہ‌سازی شدہ بود؛ زیرا آن، نمونہٴ صلیب بود، جایی کہ پدر آسمانی پسر خویش را تقدیم کرد. موسی و عبرانیان نزد دریای سرخ، بنا بر گفتہ رسول پولس، نمایانگر تعمید بودند، کہ نمونہٴ صلیب است، و آن نیز بہ وسیلہٴ ابراہیم بر کوہ موریبا با اسحاق نمونہ‌سازی شدہ بود.

علاوہ ازیں، اے بھائیو، میں نہیں چاہتا کہ تم اس بات سے بے خبر رہو کہ ہمارے سب باپ دادا بادل کے نیچے تھے، اور سب سمندر میں سے گزرے؛ اور سب نے بادل میں اور سمندر میں موسیٰ کے لیے بپتسمہ لیا۔ 1 کرتھیوں 10:1، 2.

این البتہ بدان معناست کہ تعمید بہ وسیلہٴ ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ نمادپردازی شدہ است؛ همان جایی کہ خانوادہٴ ہشت نفرہٴ نوح تعمید یافتند. «ہشت» نمادی از رستخیز است.

جو کبھی نافرمان تھے، جب نوح کے دنوں میں خدا کا حلم انتظار کرتا رہا، جبکہ کشتی تیار کی جا رہی تھی، جس میں تھوڑے، یعنی آٹھ جانیں، پانی کے وسیلہ سے بچائی گئیں۔ اور اسی کی مانند ایک مثالی نشان کے طور پر بپتسمہ بھی اب ہمیں بچاتا ہے۔ نہ جسم کی گندگی کو دور کرنا، بلکہ خدا کی طرف نیک ضمیر کا جواب۔ یسوع مسیح کے جی اٹھنے کے وسیلہ سے۔ 1 پطرس 3:20، 21.

اشتباہ فہمیدن ہر عنصری از حقیقتی کہ دربارهٴ ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آشکار شدہ است، ہم سنگ بدفہمیدن شہادتِ نوح در کشتی، موسیٰ در کنار دریای سرخ، ابراہیم بر کوہ موریبا و عیسیٰ بر صلیب است. در آن تاریخ، فرشتہ سوم وارد تاریخ شد، و او همان فرشتہ‌ای است کہ قوم خدا را مہر می‌زند.

«سپس فرشتہٴ سوم را دیدم. فرشتہٴ ہمراہ من گفت: "کلام او ہولناک است و مأموریتش مخوف. او همان فرشتہ‌ای است کہ باید گندم را از کرکاس جدا سازد، و گندم را برای انبار آسمانی مہر کند یا ببندد." این امور باید تمامی ذہن و تمامی توجہ را بہ خود مشغول دارد. بار دیگر ضرورتِ جدا بودن کسانی کہ ایمان دارند ما آخرین پیامِ رحمت را در اختیار داریم، از آنان کہ ہر روز خطای تازہ‌ای را می‌پذیرند یا در خود فرومی‌برند، بہ من نشان دادہ شد. دیدم کہ نہ جوانان و نہ سالخوردگان نباید در اجتماعاتِ کسانی کہ در خطا و تاریکی‌اند حضور یابند. فرشتہ گفت: "بگذارید ذہن از درنگ کردن بر امور بی‌فایدہ بازایستد." Manuscript Releases، جلد 5، 425.

پس ہمراہ با خطوط مقدس نبوی کہ آن تاریخ را بہ صورت نمادی پیش‌تصویر می‌کردند، فرشتہٴ سوم فرا رسید و کار خود را آغاز نمود؛ کاری کہ شامل جداساختنِ باکرہ‌گانِ حکیم و جاہل است کہ در آن passage بہ صورت گندم و کرکاس نمود یافتہ‌اند. نفہمیدنِ این کہ سال 1844 تا چہ اندازہ بہ‌گونہ‌ای مقدس پیش‌نمون شدہ است، یا آگاہ نبودن از آنچه دربارهٴ waymarks سوا کہ با 1844 مرتبط بودند و تا 1863 امتداد یافتند مکشوف شدہ است، جان را برای درگیر شدنِ نبوی با لوازمِ این حقیقت ناآمادہ می‌گذارد کہ مسیح موضوعِ مرکزیِ آن دو آیہ‌ای است کہ بنیان ادونتیسزم را نمایندگی می‌کنند، و این کہ در آنجا مسیح بہ‌عنوان Palmoni، آفرینندہٴ ریاضیات و ہر چیز دیگر، شناختہ می‌شود.

د دیارلسم آیت د پوبن تنپ اوسنی خواب لہ هغې خواب څخه چې په 1845 کې و، متفاوت دی. په 1845 کې مخکښان لہ یوې سترې ناهیلۍ څخه ځانونه راییستل، او لہ دې مفکورې سره په جدي ډول مخامخ کېدل یې پیل کړل چې څښتن د نبي د عطیې ډالۍ بېرته ورگرځولې ده، داسې څه چې د

شاگردانو له زمانې راهیسې نه وو شوي. هغوی د درېیمې فرنسې د پیغام د مفهوم د درک کولو په لټه کې وو، او دې حقیقت ته راویښېدل چې هغه تجربه چې هغوی تازه ترې تېر شوي وو، له سپېڅلي تاریخ څخه پرته بل څه نه وه. تر 1850 پورې هغوی یو نوی مخکښ چارټ وړاندې کاوه څو د 1843 د مخکښ چارټ اصلاح او ځایناستی شي. دواړه چارټونه د خور وایټ له خوا د حقوق د دوهم فصل د «لوحو» د تحقیقونو په توګه وپېژندل شول. څه که نو، 1850 د خدای د نبوي کلام یو ثابت شوی تحقق دی.

پیشګامان چین فهمیدند و نوشتند که انکار این که نمودار ۱۸۴۳ تحقق «لوح‌ها» ی باب دوم حقوق بوده است، به معنای ترک ایمان نخستین است. خواهر وایت این نمودار را به عنوان چیزی که به هدایت دست خداوند ترسیم شده بود و نیز به عنوان تحقق حقوق، تأیید کرد، و همین تأیید را بر نمودار ۱۸۵۰ نیز نهاد. حقوق از «لوح‌ها» به صورت جمع یاد می‌کند، و هنگامی که نمودار ۱۸۴۳ در ماه مه ۱۸۴۲ چاپ شد، با خطایی در برخی از اعداد چاپ گردید که خداوند دست خود را بر آن نگاه داشت. در سال ۱۸۵۰ نمودار تازه‌ای در دسترس قرار گرفت که آن خطا را در اعداد تصحیح می‌کرد. لوح‌های حقوق نمایانگر تحقق‌های نبوت هستند، و آن نبوت‌ها از ماه مه ۱۸۴۲ تا ژانویه ۱۸۵۰ تحقق یافتند.

جدول ۱۸۴۳، یا جدول آغازین، دارای خطا بود و جدول پایانی ۱۸۵۰ هیچ خطایی نداشت. دوره زمانی از ماه مه ۱۸۴۲ تا ژانویه ۱۸۵۰ یک دوره نبوتی تثبیت شده است، و مه ۱۸۴۲، و نیز ژانویه ۱۸۵۰، نمایانگر نشانه‌های راه نبوتی هستند، و آن نشانه‌های راه امضای آلفا و امگا را در خود دارند. آلفا، یعنی حرف نخست، و امگا، یعنی آخرین و بیست و دومین حرف. ۱۸۴۲ آلفا است و ۱۸۵۰ امگا؛ و اگر آن دو حرف عبری را بگیریم و حرف سیزدهم الفبای عبری را در میان آن‌ها قرار دهیم، واژه عبری «حقیقت» را تشکیل خواهیم داد، واژه‌ای که با حروف اول، سیزدهم و بیست و دوم الفبای عبری هجی می‌شود.

منطق نبوی‌ای که بر نشانه‌های راه 1842 و 1850 اعمال می‌شود، این است که آنها به واسطه «خطا» به یکدیگر پیوند خورده‌اند. آلفا دارای خطایی بود و امگا همان خطا را تصحیح کرد؛ پس آنچه میان حروف آلفا و امگا قرار دارد «خطا» است، نمادی از عصیان، که همان چیزی است که عدد سیزده نمایندگی می‌کند. 1842 تا 1850 یک دوره نبوی تثبیت شده است که امضای آلفا و امگا را در خود دارد، و آن «حقیقت» است. تا زمانی که آن تاریخ به طور جدی و روحانی از سوی یک ادونتیست روز هفتم لائودیکیه‌ای مورد بررسی قرار نگیرد، او عملاً نسبت به حقیقت آشکاری که دوره نبوی جداول حقوق از 1842 تا 1850 بدون هیچ تردیدی برقرار می‌سازد، کور است. حقیقتی که این دو شاهد با هم برقرار می‌سازند این است که نمودار 1850 هیچ خطایی ندارد. نمودار 1850، همانند نمودار 1843، «هفت زمان» موسی را در بر دارد، و در هر دو نمودار، «هفت زمان» در مرکز نمودار، از بالا تا پایین، قرار داده شده است و دوره «هفت زمان» را که از 677 پیش از میلاد آغاز شده و تا 1844 امتداد می‌یابد، به تصویر می‌کشد. 2520 صرفاً بر روی نمودار نیست، بلکه مرکز نمودار است.

آنچه در مرکز خط نبوی که «هفت زمان» را به تصویر می‌کشد، ترسیم شده است، صلیب است. مرکز هر دو جدول، خط زمانی 2520 است که از بالا تا پایین امتداد دارد. در میانه، صلیب قرار دارد. صلیب، میانه آن هفته‌ای بود که مسیح، در تحقق دانیال باب نهم آیه بیست و هفت، عهد را با بسیاری استوار ساخت. آن هفته نمایانگر هفت سال است که از لحاظ نبوی، 2520 روز می‌باشد. همان گونه که در جداول نیز هست، دقیقاً در مرکز 2520 روز، مسیح بر صلیب در حال استوار ساختن عهد بود. از تعمید مسیح تا صلیب، از لحاظ نبوی 1260 روز بود. این بدان معناست که از تعمید تا صلیب، 1260 قربانی صبحگاهی و 1260 قربانی شامگاهی به سوی صلیب تقدیم می‌شد، اما بر صلیب، آن بره قربانی نهایی از دست کاهن گریخت، و بره خدا قربانی شامگاهی گردید و بدین سان، از زمان تعمید، نمایانگر دو هزار و پانصد و بیست و یکم تقدیم بره بود.

مرکز هفته صلیب بود، و مرکز هر دو جدول مقدس نیز صلیب است؛ اما در هر مورد، بره در درون حقیقتی قرار داده شده است که به گونه‌ای نمادین با ۲۵۲۰ بازنمایی می‌شود. صلیب در میانه ۲۵۲۰ روز قرار گرفته است، و در صلیب، عیسی دوهزار و پانصدویستمین و آخرین قربانی بود. تاریخ میان ماه مه ۱۸۴۲ و ژانویه ۱۸۵۰ نمایانگر خطاست، و مسیح، یعنی حقیقت، در میان دو مجرم قرار داده شد؛ هرچند او مجرم نبود، با او همچون مجرم رفتار می‌شد. از این رو، ما سه مجرم داریم: یکی که هلاک خواهد شد و یکی که نجات خواهد یافت. این سه مجرم، سه نشانه‌ی راه‌اند که به واسطه جرم به یکدیگر پیوند خورده‌اند، هرچند نشانه‌ی راه میانی، ضد مجرم آلفا و امگا است. مجرمان آلفا و امگا به واسطه نشانه‌ی راه میانی، یعنی صلیب، به یکدیگر مرتبط می‌شوند.

با جداول حقوق از سال ۱۸۴۲ تا ۱۸۵۰، خطا همان حرف میانی بود که با نخستین و آخرین راه‌نشان پیوند می‌یافت. راه‌نشان میانی در صلیب، آن سه مجرم را به یکدیگر پیوند داد؛ اما راه‌نشان میانی در این‌ها خطا نیست، بلکه حقیقت است، و یکی از عناصر حقیقت که هم صلیب و هم جداول حقوق آن را تأیید می‌کنند این است که 2520، یعنی «هفت زمان» لایوان بیست‌وشش، حقیقت است؛ و در چارچوب منطقی که اکنون بیان شد، رد کردن 2520 به معنای رد کردن عیسی است.

هنگامی که پالمونی، شمارنده شگفت‌انگیز، می‌فرماید: «تا دو هزار و سیصد روز؛ آنگاه قدس طاهر خواهد شد»، او به پرسش نبوی «تا به کی» پاسخ می‌دهد. این پاسخ دیگر ۱۸۴۴ نیست، زیرا جنبش میلریتی فیلادلفیایی در سال ۱۸۵۶ پایان یافت، چون در آن زمان جیمز و آلن وایت تشخیص دادند که آن جنبش از فیلادلفیا به لائودکیه انتقال یافته است. هنگامی که خواهر وایت آن خط را بر شن کشید، معنایش این بود که تا هنگامی که آن وضعیت تغییر نکند، رابطه خدا با قوم خود باید به منزله نمایانگر جدایی فهمیده شود؛ زیرا او بیرون ایستاده و بر دل‌های لائودکیان می‌کوبد و در پی ورود است. الوهیت او در انسانیت ایشان درون‌زیست نیست. همان کاری که مسیح در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آغاز کرد، این بود که الوهیت خود را با انسانیت درآمیزد، و مسیح مایل بود دقیقاً همان کار را انجام دهد، اما مقرر نشد که چنین باشد.

«اگر آدونتیست‌ها پس از نومییدی عظیم سال 1844 بر ایمان خود استوار می‌ماندند و در عنایت آشکارشونده خدا با اتحاد پیش می‌رفتند، و پیام فرشته سوم را پذیرفته، آن را در قدرت روح‌القدس به جهان اعلام می‌کردند، نجات خدا را می‌دیدند؛ خداوند به نیرومندی با کوشش‌های ایشان عمل می‌کرد؛ کار به انجام می‌رسید؛ و مسیح تا کنون آمده بود تا قوم خود را برای پاداششان بپذیرد. اما در دوره شک و بی‌یقینی که در پی آن نومییدی پدید آمد، بسیاری از ایمانداران آدونتیست ایمان خود را واگذاشتند.... بدین‌سان، کار به تأخیر افتاد و جهان در تاریکی واگذاشته شد. اگر تمامی پیکر آدونتیست بر احکام خدا و ایمان عیسی متحد می‌شد، تاریخ ما تا چه اندازه متفاوت می‌بود!»
Evangelism, 695

تکرار تاریخ اسرائیل کهن، خداوند اسرائیل جدید را از تاریکی قرون ظلمت بیرون آورد و ایشان را در دریای سرخ داخل عهد ساخت، زیرا تعمید نماد رابطه عهدی است. اما اسرائیل می‌بایست آزموده شود که آیا عهد را نگاه خواهند داشت یا نه. درباره اسرائیل کهن، مطابق با کتاب اعداد، ایشان در ده آزمون ناکام شدند. در دهمین ناکامی، محکوم شدند که طی چهل سال در بیابان بمیرند؛ و بدین‌سان نمونه‌ای فراهم آمد از رد پیام لاودیکه در سال 1856 از سوی اسرائیل جدید. و همچنان که اسرائیل کهن در ده آزمون تدریجی ناکام شد (که ده نماد آزمون است)، از زمان رسیدن فرشته سوم در 1844 تا 1856، فرایندی تدریجی از آزمون بر جنبش میلری فیلادلفیایی وارد گردید.

ده آزمون از دریای سرخ تا نخستین شورش در قادش، به عنوان یک دوره نبوی نمایانده شده است، زیرا عدد ده این دوره را به هم پیوند می‌دهد. عدد ده که نماد آزمون است، در این ده آزمون، ده قبیله‌ای را مشخص ساخت که عهد را رد کردند و در آزمون دهم و در تمام فرایند آزمودن ناکام ماندند.

این دوره با عبور از دریای سرخ آغاز شد، و ده فرمان به عنوان نخستین این ده آزمون پس از دریا نمایانده شده‌اند؛ نخستین آزمون، سبت بود، که نماد و مهر ده فرمان است (که به وسیله منا بازنمایی شده است). هنگامی که دوره ده آزمون در اسرائیل باستان تا این اندازه آشکار به عنوان یک دوره نبوی مشخص بیان شده است، و روح نبوت ما را آگاه می‌سازد که عبور از دریای سرخ، ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ را تمثیل می‌کرد، آنگاه باید بدانیم که از همان نقطه، یک فرایند تدریجی آزمون آغاز شد. ادونتیسیم این را نمی‌داند، از این رو نمی‌تواند ببیند که در سال ۱۸۶۳ برای مردن در بیابان لائودیکه تا زمان قانون یکشنبه تعیین شدند؛ همان قانونی که در همان آغاز فرایند آزمونی که به ۱۸۶۳ انجامید، مأمور شده بودند درباره‌اش اعلان هشدار کنند.

هنگامی که اعلان وضعیت لائودیکه در سال ۱۸۵۶ بر ادونتیسیم میلری نازل شد، «شراب تازه» درباره «هفت زمان» منتشر گردید. این نور تازه هرگز پذیرفته نشد و هفت سال بعد، یا ۲۵۲۰ روز نبوی بعد، جنبش میلری لائودیکه پایان یافت و به کلیسای ادونتیسیت روز هفتم لائودیکه بدل شد. موسی مایل بود به سرزمین موعود داخل شود، اما آزمون دهم فرارسیده بود، و البته آن آزمونی بنیادی بود، زیرا همان کاری که از آغاز به موسی واگذار شده بود، این بود که قوم خدا را به سرزمین موعود رهبری کند. آن کار پیش از آن که موسی به مصر برسد، در برابر او قرار داشت. آزمون دهم فرارسیده بود و شورشیان درباره ورود به سرزمین موعود دودل بودند.

اور میں نے تم سے کہا، تم اموریوں کے اُس پہاڑی ملک تک آ پہنچے ہو جسے خداوند ہمارا خدا ہمیں دیتا ہے۔ دیکھو، خداوند تیرے خدا نے یہ ملک تیرے سامنے رکھ دیا ہے؛ چڑھ جا اور اس پر قبضہ کر لے، جیسا کہ خداوند تیرے باپ دادا کے خدا نے تجھ سے کہا ہے؛ نہ خوف کھا اور نہ ہمت ہار۔ تب تم میں سے ایک ایک میرے پاس آیا اور کہنے لگا، ہم اپنے آگے آدمیوں کو بھیجیں گے تاکہ وہ ہمارے لیے اس ملک کی جاسوسی کریں اور پھر ہمیں خبر دیں کہ ہم کس راستہ سے چڑھیں اور کن کن شہروں میں پہنچیں۔ اور یہ بات مجھے پسند آئی؛ سو میں نے تم میں سے بارہ آدمی لیے، ہر قبیلہ میں سے ایک۔ استثنا 1:20-23۔

از آن مقطع تا بازگشت دوازده جاسوس، نمایانگر تاریخی است که در آن آخرین آزمون بنیادی در سال ۱۸۵۶ فرا رسید و میلری‌های لائودیکه‌ای به مدت هفت سال زمین را جست‌وجو کردند، تا آنکه برگزیدند که دیگر به عنوان یک جنبش ادامه ندهند و به یک کلیسا بدل شوند.

نخستین حقیقتی که میلر کشف کرد «هفت زمان» بود، و بدین‌سان آن را بنیاد حقایق بنیادی‌ای ساخت که «راه‌های قدیم» ارمیا را تشکیل می‌دهند. آخرین نور تازه نبوی که به ادونتیسیم آورده شد، در سال 1856 بود، و آن مجموعه‌ای از مقالات درباره «هفت زمان» بود. نور بسیار با مطالعه‌ای ژرف در این واقعیات تاریخی مرتبط است؛ اما اگر بناست بتوانیم تشخیص دهیم چرا پاسخ آیه چهارده دانیال هشت این است که «از 9/11 تا قانون یکشنبه، آنگاه مقدس تطهیر خواهد شد»، باید به پیش رفتن ادامه دهیم.

کاری را که مسیح در سال ۱۸۴۴ آغاز کرده بود، در سال ۱۸۶۳ از مسیر خود منحرف شد؛ از این رو «تطهیر» قدس که در آن زمان آغاز شده بود، به حال تعلیق درآمد، در حالی که قوم خدا سفر در بیابان لائودیکه را آغاز کردند. به همین سبب، کاری که می‌بایست به وسیله مسیح در فاصله سال‌های ۱۸۴۴ تا ۱۸۶۳ به انجام برسد، بناگزیر می‌بایست تکرار شود، هنگامی که فرشته سوم، که همان فرشته‌ای است که جدایی می‌افکند و مهر می‌زند، در نهایت کاری را که با «تطهیر» نمایش داده شده است، به انجام می‌رساند. نشانه‌های راه نبوی ۱۸۴۴ تا ۱۸۶۳، همان نشانه‌های راهی هستند که در آنها مسیح می‌بایست کار تطهیر قدس را به انجام می‌رساند، و آن نشانه‌های راه نمایانگر تاریخی هستند که در آن، آن کار به انجام خواهد رسید. اگر بتوان نشان داد که ۱۸۴۴ تا ۱۸۶۳ نمایانگر دوره ۱۱ سپتامبر تا قانون یکشنبه است، آنگاه پرسش «تا به کی» با دیگر خطوطی که به وسیله «تا به کی» نمایان شده‌اند، در

توافق است.

1844 زمان فرشتہ سوم کی آمد تھی، اور 1863 آزمائش کی مدت کے اختتام کی علامت ہے۔ 1846 میں وائٹس کی شادی ہوئی اور ایلن کا آخری نام ہارمن سے بدل کر وائٹ ہو گیا، اور اسی سال اس شادی شدہ جوڑے نے ساتویں دن کے سبت کو ماننا شروع کیا۔ سبت، شادی، اور نام کی تبدیلی—یہ سب نبوتی طور پر عہد کے تعلق کی علامتیں ہیں۔ خداوند نے جدید اسرائیل کو 1844 کے بحرِ قلزم سے گزارا، اور 1846 میں انہیں سینا تک لایا تاکہ انہیں اپنی شریعت دے اور ان کے ساتھ عہد میں داخل ہو۔ یہ شریعت، حقوق کی دو لوحوں کی مانند، دو لوحوں پر لکھی گئی ہے؛ پہلی لوح میں 4 احکام ہیں اور دوسری لوح میں 6۔ دو لوحیں قدیم اور جدید، دونوں اسرائیل کے عہدی تعلق کی نمائندگی کرتی ہیں، اور باہم مل کر عہد کی وہ دو لوحیں بنتی ہیں جو دس احکام ہیں، اور جو قدیم اسرائیل کے لیے علامتی طور پر 46 سے موسوم ہیں؛ یہی حقوق کی ان دو لوحوں کا نمونہ تھیں جو لیٹر رین کی تاریخ کی نمائندگی کرتی ہیں۔ پینتیکوست کی دو لہرائے کی روٹیوں کی قربانیوں کے ساتھ مل کر، وہ اس جھنڈے کی نمائندگی کرتی ہیں جو ایک لاکھ چوالیس ہزار ہیں۔

ہنگامی کہ نام خواہر وایت از ہارمن بہ وایت تغییر یافت۔ ہارمن بہ معنای سرباز صلح است، اما با وایت جایگزین شد کہ همان عدالت مسیح است۔ نام گولد بہ معنای طلاست، و الن بہ معنای نوری درخشان و تابان است۔ نام او پیام لائودکیہ را نمایندگی می‌کند۔

میں تجھے مشورہ دیتا ہوں کہ تو مجھ سے آگ میں تپایا ہوا سونا خرید لے تاکہ تو دولت مند ہو جائے؛ اور سفید پوشاک، تاکہ تو ملبوس ہو جائے اور تیری برہنگی کی شرمندگی ظاہر نہ ہو؛ اور اپنی آنکھوں میں سرمہ لگا تاکہ تو دیکھ سکے۔ مکاشفہ 3:18۔

«سرمہ چشم» نور کلام خداست، و الن نوری درخشان و تابان است۔ امنیتِ میلری ہا در سال ۱۸۵۶ در این یافت می‌شد کہ پیام لائودکیہ را، آن گونه کہ از طریق نوشته‌های او عرضه شد و در نام او باز نمود یافت، بپذیرند۔ خواہر وایت بہ روشنی بیان می‌کند کہ پیام ۱۸۸۸ جونز و واگنر همان پیام لائودکیہ بود، و نیز اینکه پیام ایشان همان پیام فرشتہ سوم بود۔

«خداوند در رحمت عظیم خود، از طریق مشایخ واگنر و جونز، پیامی بس گران‌بہا برای قوم خویش فرستاد۔ ... این همان پیامی است کہ خدا فرمان داد بہ جہان دادہ شود۔ این پیام فرشتہ سوم است، کہ باید با صدایی بلند اعلام گردد و با ریزش روح او بہ اندازہای عظیم ہمراہ باشد۔»
Testimonies to Ministers, 91

فرشتہ سوم در سال ۱۸۴۴ آمد، و در سال ۱۸۸۸ برای بار دوم کوشید کار خود را انجام دہد۔ پیام سال ۱۸۸۸ همان پیام لائودکیہ بود؛ همان پیام فرشتہ سوم بود؛ نزول آن فرشتہ مکاشفہ ہجده را نشان می‌داد؛ و همان پیام عادل‌شمردگی بہ وسیلہ ایمان بود کہ در ہنگام ریزش باران آخر اعلام می‌شود۔ فرشتہ سوم در سال ۱۸۴۴ آمد و سپس بار دیگر در ۱۸۸۸، اما در ہر دو مورد رد شد؛ با این حال، ہر دو مورد نمونہ وار زمانی را مجسم می‌سازند کہ فرشتہ سوم در زمان باران آخر می‌آید۔ سال ۱۸۴۴ نمادی از ۹/۱۱ است، و اگر ۱۸۶۳ مَمْلِ قانون یکشنبہ باشد، آنگاہ دورہ نبوی «از ۹/۱۱ تا قانون یکشنبہ» کہ با نماد «تا بہ کی» نشان دادہ شدہ است، پاسخ حقیقت حاضر بہ پرسش آیہ سیزدہم، یعنی «تا بہ کی»، خواہد بود۔

تاریخ میلریتی از 1842 تا 1850 دورہای نبوی است کہ با دورہ نبوی آزمودن فرشتہ سوم از 1844 تا 1863 ہم‌پوشانی دارد۔ از 1842 بہ بعد تا 1863 دارای نشانہ‌های راہ نبوی است کہ تاریخ 9/11 تا قانون یکشنبہ را بہ تصویر می‌کشد، زمانی کہ مسیح ہیکل خود را تطہیر می‌کند، نخست کلیسای خویش و پس از آن کارگران ساعت یازدہم را۔ در قانون یکشنبہ، مسیح قومی پاک شدہ خواہد داشت

تا آن را به جهان به عنوان هدایتی چون عَلم عرضه کند، و کلیسا، کلیسای ظافر خواهد شد. آنگاه مقدس او تطهیر شده خواهد بود.

ما نماد «تا به کی» را در جای خود نهاده‌ایم، هرچند البته مطالب بیشتری نیز هست. اکنون آغاز خواهیم کرد که این مطلب و پنج مقاله پیشین را دوباره در پرتو کتاب یوئیل قرار دهیم، اما این انحرافات جانبی به نظر می‌رسید برای استقرار مبانی لازم اهمیت داشته باشند. شهادت هر «تا به کی» که بررسی کرده‌ایم، با پرسش «تا به کی» که پالمونی در آیه چهارده بدان پاسخ داد، هم‌آواست؛ زیرا مقدس از 9/11 تا قانون یکشنبه باید تطهیر شود. آن تاریخ، تاریخ باران آخر است، و تاریخ باران آخر در کتاب یوئیل بیان شده است.